

Original Article

The Role of Peasants in the Security and Welfare of the Citizens in the Early Islamic Centuries

Jalil Khoshhal¹, Mirza Mohammad Hasani^{2*}, Hasan Shadpour³

1. Ph.D. Student in History of Islam, Islamic Azad University, Shahrod Branch, Shahrod, Iran.

2. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shahrod branch, Shahrod, Iran. (Corresponding Author) Email: mohamadhassani68@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shahrod branch, Shahrod, Iran.

Received: 14 Oct 2018 Accepted: 14 Mar 2019

Abstract

One of the most important components of citizenship rights is the provision of security and prosperity in the economic, social and cultural dimensions. Peasants in the transition from the Sassanid era to the Islamic period were peaceful with Muslims, and they gradually became Muslim. As a result, the masses of the people under their command were also Muslims. Thus, they retained their lives and their belongings and their followers from attacking Arab invaders. Thus, they provided security and prosperity for themselves and their citizens as the role of the interface between the Muslim rulers and the masses of the people. The purpose of this research is the role of peasants in the security and welfare of citizens in the early centuries of Islam. This research is based on library and documentary styles and descriptive-analytical and historical research methods. After reviewing and analyzing resources, this result was obtained that the peasants were caused to ensure and to provide security and economic and social well-being for themselves and their subordinates. They also were caused to preserve the ancient heritage and to transmit them to new era. Therefore, they provided security and welfare of themselves and their citizens relatively and directly, both in the political and economic spheres, as well as in social and cultural spheres, by observing and various good intentions in different times and places.

Keywords: Peasants; Security; Welfare of the Citizens; Islamic Government

Please cite this article as: Khoshhal J, Hasani MM, Shadpour H. The Role of Peasants in the Security and Welfare of the Citizens in the Early Islamic Centuries. *Bioethics Journal*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 305-315.

نقش دهقانان در ایفای امنیت و رفاه شهروندان در دو قرن اول اسلامی

جلیل خوشحال^۱، میرزامحمد حسنی^{۲*}، حسن شادپور^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: mohamadhasani68@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق شهروندی، تأمین امنیت و رفاه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. دهقانان در گذار از دوره ساسانی به دوره اسلامی، با مصالحه با مسلمانان و به تدریج مسلمان شدن آنان و پیرو آن توده‌های مردم تحت امرشان، جان و مال خود و رعایایشان را از تعرض مهاجمان عرب حفظ نمودند. بدین‌گونه امنیت و رفاه را برای خود و شهروندان با نقش رابط میان حاکمان مسلمان با توده‌های مردم تأمین نمودند. بنابراین هدف این پژوهش، نقش دهقانان در ایفای امنیت و رفاه شهروندان در قرون اولیه اسلامی است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و روش توصیفی - تحلیلی و تاریخی انجام یافته است. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل منابع این نتیجه حاصل شد که دهقانان با ایجاد جزایر امن در ایران در طول دو قرن اول هجری قمری، نه تنها موجب تأمین و تضمین امنیت و رفاه نسبی اقتصادی و اجتماعی خود و رعایای تحت امرشان شدند، بلکه باعث حفظ موارث کهن و انتقال آن به دوران جدید نیز گشتند. بنابراین آنان با مصلحت‌اندیشی‌های گوناگون در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت چه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و چه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی به طور نسبی و با واسطه امنیت و رفاه خود و شهروندانشان را تأمین نمودند.

واژگان کلیدی: دهقانان؛ امنیت؛ رفاه شهروندان؛ حکومت اسلامی

مقدمه

حقوق مجموعه قواعد و مقررات لازم‌الاجرا حاکم بر روابط افراد یک جامعه است و آنگاه که از روابط افراد صحبت می‌کند، حقوق فردی/ خصوصی و هر گاه گفتگو از روابط اجتماعی و یا روابط افراد با دولت است، حقوق عمومی نامیده می‌شود (۱). طبعاً افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، دارای هر دو قسم این حقوق هستند که با هم حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهند. حقوق شهروندی به مجموعه حقوق و آزادی‌هایی گفته می‌شود که دولت، اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده است (۲). در یک نگاه کلان، حقوق شهروندی حوزه گسترده‌ای همچون حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی را شامل می‌شود (۳). بنابراین حقوق شهروندی، قالبی برای بیان لزوم تعریف حقوق و تکالیف اجتماعی برای فرد در عرصه اجتماعی در مقابل سایر بازیگران این عرصه به ویژه دولت به عنوان مهم‌ترین بازیگر است (۴). رفاه و امنیت شهروندان یکی از زیرمجموعه‌های حقوق اجتماعی شهروندی است که در دوره‌های مختلف توسط حکومت‌ها و دولت‌ها تأمین می‌شده است.

با حمله اعراب مسلمان به ایران و فتح نواحی مختلف آن در زمان عمر (۱۳ تا ۲۳ ق.)، قشون ساسانی از هم پاشیده شد و دو طبقه اصلی دروه ساسانی، یعنی ارتشسالاران و ویسپهران از صحنه سیاسی خارج شدند. به تدریج با از بین رفتن نیروی سیاسی و نظامی ساسانیان، نفوذ و قدرت روحانیون زردشتی وابسته به قدرت مرکزی ایران نیز، از دست رفت. بدین گونه «اقدام برای بیرون راندن اعراب مسلمان معمولاً بر عهده سران زردشتی بود که دیگر به طور کامل نماینده مردم نبودند یا دیگر نمی‌توانستند توده‌های اهالی بومی را برای پیروزی بسیج کنند» (۵).

اما شالوده اصلی برخی از خانواده‌های ایرانی همانند گذشته پابرجا و دست‌نخورده باقی ماند. از این میان می‌توان به دهقانان اشاره کرد. دهقانان، گروه خاصی از بزرگ‌زادگان و اشراف ایرانی، با ویژگی دودمانی و خصایص طبقاتی بودند. در میان اشراف و نجای پایین مرتبه امتیازاتی داشتند که آنان را

بر روستاییان برتری می‌داد (۶). آنان در ده خود، درجه اول دهقانان و خداوندان ضیا و املاک به شمار می‌آمدند (۷). در این زمان، اکثر دهقانان با تسلیم و پرداخت جزیه به سرداران مسلمان، قلمرو خود را از تهاجم اعراب و خونریزی و غارت حفظ کردند (۸). بعضی از آنان نیز که دادن جزیه را کسر شأن و دون خود می‌دانستند، اسلام آوردند و بدین‌ترتیب از دادن جزیه معاف شدند، چنانکه زمین‌های دهقانانی که در حمله اعراب به نواحی سواد (عراق) اسلام آوردند، به فرمان خلیفه دوم عمر به آنان واگذار شد و از جزیه معاف شدند (۹). در واقع اینان نخستین کسانی بودند که بیش از هر کس متوجه این موضوع شدند که در پرتو پذیرش دین اسلام می‌توانند تسلط خود را بر رعایای زمین‌های تحت حاکمیت خود اعمال کنند. بنابراین به تدریج در این هرج و مرج به وجودآمده در دوره گذار از ساسانی به دوره اسلامی، این دهقانان نه تنها جزیره‌هایی امن برای خود و توده مردم تحت امرشان به وجود آوردند، بلکه اهمیت و نفوذ محلی دهقانان گاه به حدی رسید که در حوادث سیاسی و اجتماعی، طرف شور فرمانروایان عرب نواحی قرار گرفتند (۱۰). بدین‌ترتیب در این فضای جدید سیاسی، دهقانان توانستند طبق شرایط مقرر و معلوم با حکومت اسلامی که گونه‌ای نوین از امنیت و نظم را به ارمغان آورده بود، به توافق برسند.

از آنجا که دهقانان همچنان بر توده‌های روستایی و تا حدی شهری حوزه نفوذ خود، مدت‌ها پس از سقوط ساسانیان نفوذ داشتند، با مسلمان شدن بخش قابل توجهی از آنان - به دلیل پیوند تنگاتنگ روابط اجتماعی روستاییان با دهقانان - زمینه‌های گسترده‌تر مسلمان شدن روستاییان نیز فراهم شد و عده زیادی از آنان به تدریج مسلمان شدند. بدین‌گونه دهقانان نه تنها نقش سیاسی و اجتماعی عمده‌ای در تعیین سرنوشت ناحیه‌ها یا شهر و روستای خود ایفا نمودند؛ بلکه به گونه‌ای با ایجاد جزیره‌های امن داخل سرزمین ایران اسلامی و با رعایت و اجرای قوانین ایران ساسانی تحت لوای حکومت اسلامی به گونه‌ای رفاه و امنیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توده‌های مردمی تحت سلطه‌شان را با واسطه مهیا نمودند. بنابراین این سؤال اساسی مطرح می‌شود که چگونه دهقانان با ایجاد امنیت

و رفاه درجهت حقوق اجتماعی و فرهنگی شهروندی در قرون اولیه اسلامی ایفای نقش نمودند؟

سابقه و ادبیات تحقیق

درباره دهقانان مطالب گوناگونی در حوزه‌های ادبی، اقتصادی و سیاسی نوشته شده است که بعضی از آن‌ها دارای مطالب مشابهی هستند. بهترین نوشته در این حوزه مقالات تفضلی هستند. وی دو مقاله با نام‌های «دهقان» (۱۳۷۶ الف) و «نقش سیاسی - اجتماعی و فرهنگی دهقانان: در سده‌های نخستین دوران اسلامی» (۱۳۷۶ ب) با محتوای یکسان منتشر نموده و همچنین در مقاله «دهقانان در دوره ساسانی (Dehqān, in the Sasanian Period)» (۱۹۹۹ م) به ریشه‌شناسی، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهقانان از دوره ساسانی تا آخر قرن هفتم اسلامی پرداخته است. در مبحث اتیمولوژی/ ریشه‌شناسی لغات همچنین می‌توان به مقاله‌های دلبری تحت عنوان «دهقانان در دوره اسلامی» (۱۳۸۷ ش) و آبادی تحت عنوان «پیشینه دهقان در ادب پارسی» (۱۳۵۶ ش) اشاره نمود. در زمینه طبقه دهقانان، کریستن سن در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» (۱۳۷۵ ش) در چند صفحه به صورت مختصر و شکی (Shaki) در مقاله «نظام طبقات در دوره پارتی و ساسانی (Class system iii, Parthian and Sasanian period)» (۱۹۹۲ م) به آن پرداخته اند و در تقسیم بندی نجبا، آزادان را همان طبقه دهقانان معرفی می‌کنند. در ارتباط با ورود اعراب به سرزمین‌های شرقی، کتاب «ایران در قرون نخستین اسلامی» (۱۳۶۴ ش) اشپولر کامل‌ترین نوشته‌ای است که درباره این دوره از تاریخ ایران نوشته شده است. همچنین می‌توان به کتاب چوکسی تحت عنوان «ستیز و سازش» (۱۳۸۵ ش) و کتاب «فتوحات عرب در آسیای مرکزی (the Arab Conquests in Central Asia)» (۱۹۲۳ م) همیلتون (Hamilton) اشاره نمود که به دهقانان به ویژه در شرق ایران اشاره نموده اند. جا دارد به مقاله راشد محصل تحت عنوان «جایگاه پهلوان و دهقان در شاهنامه» (۱۳۸۳ ش) اشاره شود که در آن با ذکر دلایل و مستندات ادبی

عنوان می‌کند که پهلوانان شاهنامه همان ویژگی‌هایی را دارند که اغلب برای دهقانان شمرده می‌شود. صدیقی نیز در «تجلی پایگاه دهقان - دهگان در حدودالعالم من المشرق الی المغرب» (۱۳۶۱ ش) به وضعیت سیاسی، فرهنگی و معنوی دهقانان بر اساس کتاب نامبرده می‌پردازد.

اما در ارتباط وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌توان به مقاله‌های طاوسی و میرزایی با نام «دهقانان در دوره انتقال» (۱۳۸۳ ش) و حاجزاده تحت عنوان «نقش دهقانان در تحولات تاریخی قرون نخستین اسلامی» (۱۳۸۵ ش) اشاره نمود که ضمن روشن نمودن جایگاه دهقانان نزد طبقات و گروه‌های اجتماعی ایران به برخی از ویژگی‌های آنان همچون مقامات و مناصب دهقانی، تعلیم و تربیت و آدام و رسوم آنان طی قرون اسلامی پرداخته‌اند. خسروی و بیات در بخشی از مقاله «مواجهه جامعه ایرانی در برابر سلطه اعراب مسلمان در سده‌های اول و دوم هجری» (۱۳۸۷ ش)، به مواجهه دهقانان در برابر اعراب و امیری در «دهقانان در فتوح اسلامی» (۱۳۸۷ ش) به وضعیت این طبقه متوسط در حفظ میراث فرهنگی ایران و آذرنیوشه و صالحی در «دهقانان ایرانی در روند گذار از دوره ساسانی به دوره اسلامی» (۱۳۹۱ ش) به نقش و جایگاه اجتماعی دهقانان در دوره گذار از جامعه ساسانی به جامعه اسلامی پرداخته‌اند. همچنین در مبحث اقتصادی جا دارد به کتاب وزین خزنه کاتبی تحت عنوان «خراج» (۱۳۹۳ ش) اشاره شود که اگرچه مؤلف با ذکر جزئیات بسیار و با ارائه مستندات فراوان به وضعیت خراج از آغاز فتوحات اسلامی تا میانه قرن سوم هجری می‌پردازد، اما به نقش دهقانان بسیار جزئی اشاره می‌کند.

نقش دهقانان درجهت امنیت و رفاه اقتصادی شهروندان

آزادان یا دهقانان مطابق کارنامه اردشیر بابکان (۱۱)، نجبای درجه دوم بودند که به آنان کدخدایان نیز می‌گفتند؛ اقتدارشان منوط به اداره امور محلی بود که از طریق ارث به آن‌ها رسیده بود و گاه هر شخص با ثروت و مکنت و اعتبار اجتماعی دهقان نامیده می‌شد (۱۲). همچنین دهقان معادل عنوان مرزبان نیز به کار رفته است (۸)، چنانکه در روایتی از

طبری افرادی به عنوان مرزبان کرمان و مرو یاد شده‌اند و در روایتی دیگر از وی همان اشخاص با عنوان دهقان ذکر گردیده‌اند (۱۰). هر کدام از این دهقانان در املاک و قلعه‌های خود تعدادی سرباز و جنگاور داشتند که بسته به قدرت و وسعت املاکشان، تعداد این سربازان متفاوت بود (۱۳). به همین جهت، اولین واکنش دهقانان به هنگام مشاهده هجوم مسلمانان، پناهنده‌شدن به دژها و قلعه‌هایی بود که در اختیار داشتند (۱۴). سپس برخی از این دهقانان به تنهایی یا در کنار امرای نظامی، به رویارویی با سپاه اعراب مسلمان پرداختند و در این راه کشته شدند یا به اسارت رفتند (۹، ۱۴)، چنانکه دهقانان شهرهای تیسفون، دسکره، دشت میشان، سوق الاهواز و شوش بعد از مقاومتی که در برابر مسلمانان انجام دادند، کشته شدند. عبارتی از جاماسب نامگ نیز این درد و رنج حاصل از ورود اعراب را بدین‌گونه بازتاب می‌دهد: «به سبب بیدادگری به این ایرانشهر و دهبان (فرمانروایان محلی) بار گران رسد» (۱۵)، اما به زودی به علت نبود حکومت مرکزی و اتکا بر درآمدهای ارضی، این دهقانان، ناگزیر از سازش با حاکمان مسلمان شدند (۹، ۱۴). بنابراین گروهی از دهقانان به فکر مذاکره و تسلیم افتادند و با پرداخت جزیه و خراج، جزئی از خلافت اسلامی شدند. خلیفه دوم، اهالی سواد را در زمین‌هایشان باقی‌گذار و بر مردم جزیه و بر زمین‌هایشان خراج وضع کرد (۹، ۱۶-۱۷). این وقایع که ابتدا در ناحیه عراق اتفاق افتاد، باعث شد تا در دیگر ایالات ایران نیز همین رویه پیش رود (۱۰). دهقانانی مانند زوایی (۹) یا بسطام (۱۸) با بستن پیمان‌هایی با فاتحان مسلمان و تسلیم پرداخت گزیت/ جزیه یا مالیات سرانه، تا حدودی از دست‌اندازی‌های آنان مصون ماندند. بدین‌گونه آن‌ها نه تنها املاک خود را از آسیب مصون نگه داشتند، حتی توانستند مقام و مذهب خود را نیز همچنان حفظ کنند، اما املاک دهقانان در خطه سواد که اهالی آنجا دین اسلام را پذیرفته بودند، همچنان در اختیارشان باقی ماند و آنان از پرداخت خراج سرانه معاف شدند (۹). بدین‌ترتیب، با گسترش دامنه فتوحات اعراب مسلمان، کنارآمدن با این نیروی مهاجم و

ایجاد ارتباط سیاسی با آنان هدف اکثر دهقانان در منطقه بین‌النهرین و نواحی داخلی ایران گردید (۱۹). اعراب مسلمان در دوره خلافت عمر در ترکیب زمین‌های زراعتی و نحوه اداره آنان دخالت چندانی نکردند و دهقانان تحت سیطره حکومت اسلامی، مانند سال‌های پایانی روزگار ساسانی، وظیفه گردآوری خراج را بر عهده گرفتند و همچنان مأمور جمع‌آوری مالیات رعایا و کشاورزان بودند، زیرا آن‌ها از میزان درآمد منطقه خود بهتر از همه اطلاع داشتند و از سوی دیگر، اعراب از مساحی و مسایل مربوط به اداره زمین و خراج و... اطلاعات چندانی نداشتند. همچنین زندگی فاتحان عرب در صحاری عربستان نیز به جز زندگی بدوی و سکونت واحه‌ای با پیشه بازرگانی قبیله‌ای چیز دیگری نبود و با زندگی روستایی و کشاورزی (نظام دهقانی) ممالک مفتوحه جدید، رابطه‌ای نداشت. به علاوه این‌که، تمام نیروی اعراب صرف جنگ و فتوح می‌شد. از این رو استفاده از دهقانان برای تداوم تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی ضرورت داشت (۱۸). بسیاری از مورخان از مساحی اراضی سواد، تعیین مقدار خراج و مشورت دهقانان با خلیفه عمر، عثمان، علی بن ابیطالب و معاویه یاد کرده‌اند (۱۶، ۲۰). به همین جهت، در این دوره دهقانان و فاتحان برای اداره سرزمین‌های مفتوحه به یکدیگر نیازمند بودند (۲۱). از سوی دیگر، دهقانان واسطه میان کشاورزان جزء و دولت به حساب می‌آمدند. به همین سبب، از نخستین کارهای سعد وقاص، این بود که دهقانان را گردآورد و آن‌ها را به آنچه در نظام قدیم بر عهده داشتند، همچنان متعهد سازد (۲۲). کشت زمین، حفاظت پل‌ها و راه‌ها و پذیرایی از برخی مسافران نیز از دیگر وظایف دهقانان بود (۱۰). تعمیر سدها و بندهای شکسته که در اثر هرج و مرج‌های اواخر دوره ساسانی و ناامنی تخریب شده بودند، در سرلوحه اقدامات اصلاحی دولت اسلامی قرار گرفت (۲۳). در زمان خلافت علی بن ابی‌طالب نام دهقانان همچنین در ردیف اسواران و ده سالاران برای جمع‌آوری مالیات ذکر شد (۹). از نگاه معاویه و والیان‌ش نیز، اقتدار مالی دولت، رابطه‌ای تنگاتنگ با اقتدار دهقانان داشت و به همین دلیل تلاش می‌کردند دهقانان را راضی نگاه دارند (۹، ۱۴). با این حال در مواقعی نیز

دهقانان مورد ظلم و ستم حکام عرب قرار می‌گرفتند؛ مانند زمانی که دهقانان و موالی در شورش‌های علیه حکومت اموی شرکت می‌کردند، چنانکه در زمان حجاج ابن یوسف ثقفی وقتی دجله طغیان کرد، او تدبیری برای ساختن سد نیندیشید تا دهقانان را آزار دهد، زیرا آن‌ها به همراهی با قیام ابن اشعث متهم بودند (۹). همین بهانه‌جویی‌ها و سختگیری‌ها در روزگار بنی‌امیه، موجب شد تا به تدریج زمین‌های زراعی رو به خرابی گذاشت و بسیاری به شهرها پناهنده شدند، ولی در زمان بنی‌عباس با اعمال سیاست‌های جانب‌دارانه از زمین‌داران و امور کشت و زرع، وضعیت عمومی این قشر به حالت خوبی بازگشت و این جریان از میزان مالیات‌ها کاملاً مشهود است (۲۴). بنابراین وضعیت دهقانان و پیرو آن کشاورزان در طول حکومت‌های حاکمان اسلامی همیشه یکسان نبوده است، اما با سیاست‌های صلح‌جویانه و خردمندانه دهقانان در برابر حاکمان عرب، تقریباً نواحی امنی در جاهای مختلف ایران به وجود آمد تا خود و رعایای‌شان بتوانند در رفاه و امنیت نسبی حاصل از اقتدار و عملکردشان، به حرفه و زندگی خود بپردازند.

نقش دهقانان در جهت امنیت اجتماعی شهروندان

یکی دیگر از مؤلفه‌های حقوق شهروندی آسایش همگانی و اطمینان آن‌ها در حفظ ارزش‌های همگانی است که امنیت اجتماعی نامیده می‌شود (۲۵). دهقانان با ایجاد مناطق امن برای خود و اجتماعات تحت سلطه‌شان، در حفظ صلح و ثبات اجتماعی در آن دوران پر آشوب نقش عمده‌ای ایفا نمودند. طبری گزارش جالبی را در این رابطه ارائه نموده است: «پس از آنکه سپاهیان سعد بن ابی‌وقاص تعداد زیادی از کشاورزان بهر سیر را اسیر گرفتند، شیرزاد دهقان سابط مدائن، به وی گفت: این کشاورزان بندگان اشراف‌اند و بهتر است در روستاها باشند و به کشاورزی بپردازند؛ سعد نیز آنان را به شیرزاد بخشید و شیرزاد همه را به روستاهایشان بازگرداند» (۱۰)، بدین‌گونه از کشته‌شدن و اسارت آنان توسط مهاجمان جلوگیری نمود. همین نقش تا دوران عباسی نیز تداوم یافت و آنان هر زمان و هر گونه که می‌توانستند از نفوذ و خرد خود در جهت ایجاد امنیت اجتماعی بهره بردند، چنانکه منصور

عباسی، حکومت یکی از ولایات ایران را به عمرو بن مسلم بن قتیبه داده بود و او بر مردم ستم می‌کرد، آنچنانکه مردم از ستم‌های او به تنگ آمدند و مردی از خردمندان دهقان را برای شکایت به دربار خلیفه فرستادند. دهقان نزد ربیع حاجب رفت و گفت: پیش از رفتن به حضور خلیفه، سؤالی از او دارد و آن این‌که آیا آنان عمرو بن مسلم بن قتیبه را شناخته بودند و حکومت آن ناحیه را به وی دادند یا نه؟ ربیع گفت: «او را شناخته بودیم.» دهقان بدون آنکه چیزی بگوید، بازگشت. ربیع فرمان داد او را بازگردانند و چون دهقان را بازآوردند، پرسید: «منظور تو از آن سؤال چه بود؟ و چرا به همان بسنده کردی و دیگر حاجتی نخواستی؟». دهقان گفت: «اگر شما سیرت بد او را نداشته بودید، من شکایت خود را طرح می‌کردم و اکنون که دانسته‌ام او را بدین کار گمارده‌اید، دست یاری به درگاه خداوند دراز می‌کنیم و کفایت کار خود از او می‌خواهیم.» در این حال، ربیع این استدلال قوی و خردمندانه را به منصور رساند و منصور عمرو بن مسلم را از حکومت آنجا برکنار کرد (۲۶) و بدین شکل، زیرکی و درایت آن دهقان، همه رعایا را از ظلم و ستم حاکم جبار آسوده ساخت. همچنین جا دارد اشاره شود که دهقانان، در مراعات بین مردم هر قریه حکم می‌کردند و وظیفه خاص صلح را نیز انجام می‌دادند (۲۷). دهقانان نه تنها در جهت امنیت توده‌های تحت نظرشان به واسطه از حکومت اسلامی نقش مهمی داشتند، بلکه حتی در انطباق‌پذیری مهاجمان ساکن در ایران با سنن اجتماعی ایرانیان نیز نقش عمده‌ای ایفا نمودند. با فتح سیستان، اعراب مسلمان به طور کامل در عراق و ایران استقرار یافتند و بدین‌گونه تغییرات گسترده‌ای در ایران پدید آمد. این تغییرات خصوصاً در سده اول هجری حول چندمحور بود (۲۸):

- ورود گسترده اعراب و استقرار قبایل عرب در ایران.

- تغییر کلی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران.

بدین ترتیب نقش دهقانان در قشر بندی اجتماعی دوران اسلامی حائز اهمیت است. دهقانان به آن دسته از اعراب که از ابتدای فتوح در ایران ساکن شدند، کمک کردند تا موجودیت خود را در سایه ریاست عرب حفظ نمایند. به تدریج اعراب مسلمان ساکن‌شده در نقاط مختلف ایران، وضعیت بدوی و

نقش فرهنگی دهقانان در جهت حفظ سنت‌های باستانی شهروندان

یکی دیگر از ارکان و پایه‌های زیربنایی و اساسی امنیت، نگهداری فرهنگ درست و ارزشمند گذشتگان و نیاکان است که این فرهنگ بر اثر مبادی اخلاقی، اجتماعی و دینی به دست آمده است (۲۵). گروه بسیاری از دهقانان در نواحی داخلی و شرقی ایران به صورت اهل ذمه با پرداخت جزیه، باعث حفظ سنت‌ها و آیین زردشتی گشتند. آنان در ادوار بعدی انعکاس‌دهنده حماسه‌ها و روایات باستانی بودند. آن‌ها حتی هنگامی که مسلمان شدند، از آیین زردشتی حمایت و سنن ملی و داستان‌های قهرمانان و هنر پربار و غنی سبک ساسانیان را حفظ کردند. به قول اشپولر، «اسلامی‌شدن ایران در درجه اول بین طبقات عالی آن صورت گرفت، یعنی کسانی که فرهنگ ایران را کاملاً در دست داشتند و داستان‌های باستانی و پهلوانی را با شیوه ای جوانمردانه و منطبق با دید خود از زندگی محقق می‌ساختند» (۳۲). بدین ترتیب، وابستگی به فاتحان، راز بقای آنان بود. حفظ حیات و موقعیت با ایجاد پیوند با سران متنفذ عرب و التجا و موالات با اعراب در کوتاه‌مدت باعث حفظ هویت ایرانی در بلندمدت گردید (۳۳). دهقانان از قرن اول هجری، به عنوان دانشمندان و خردمندان آگاه از تاریخ و فرهنگ ایران قدیم، به دارالخلافه‌ها و دارالاماره‌ها و بعداً به دربارهای شاهان سلسله‌های ایرانی شرق ایران راه یافتند (۸). چنانکه بیهقی در این رابطه می‌آورد: «زیاد بن ابی سفیان شبی در بصره سه تن از بزرگان عرب به نام غیلان بن خرشه الضبی، سويد بن منجوف السدوسی و احنف بن قیس السعدی را نزد خود فراخواند و گفت سه تن از دهقانان ایرانی نزد وی بودند و از دلایل شکوه و عظمت شاهان ایران با وی سخن‌ها گفتند، به گونه‌ای که وی به جایگاه و موقعیت پست‌تر اعراب واقف شد؛ سپس از آنان خواست برایش بگویند چرا اعراب اینچنین در سختی و فرودستی قرار دارند تا موقعیت و وضعیت خود را بهتر درک کند» (۳۴).

خاندان‌های ایرانی ساکن در فارس و به ویژه خراسان و ماوراءالنهر - که از مرکز خلافت عربی دور بودند - را باید حافظ سنت‌های کهن دانست (۳۵). حفظ هویت ملی و

قبیله‌ای را کنار گذاشتند و به شهرنشینی روی آوردند. آن‌ها تمدن ایرانی را فراگرفتند و تعصبات قبیله‌ای را نیز به دسته بندی‌های سیاسی و اقتصادی جدید تبدیل کردند. به تدریج، حتی مالک زمین‌های حاصلخیزی شدند که دهقانان ایرانی راه و رسم تصرف و تبدیل آن را به زمین‌های در اختیار امام، خلیفه و بعداً صوافی، خاصه و خالصة نشان دادند. دهقانان در کنار طبقه اشرافی جدید عرب، خود را در کنار آن‌ها بالا کشیدند، به نحوی که اعراب احساس کردند تحت تسلط دهقانان ایرانی و مالکان بزرگ آن قرار گرفتند (۲۹).

همچنین می‌بایست ذکر شود که چون دهقانان از طبقه نجبا بوده و از قدیم‌الایام همواره امتیازی میان خود و طبقات عامه مشاهده می‌کرده‌اند، از مواصلت و خویشاوندی با طبقات پست‌تر از خود امتناع می‌ورزیدند. به همین سبب طبقه دهقانان تا آخرین لحظات حیات خویش در تاریخ - یعنی تا حمله مغول - همواره با خصایص نژادی خود باقی ماندند و از بیگانگان اثری در آنان راه نیافت. به همین جهت در ادبیات گاه به جای واژه ایرانی واقعی، واژه دهقان را به کار می‌بردند (۳۰)، هم‌چنانکه فردوسی چنین می‌سراید:

که جز مرگ را کس ز مادر نژاد ز دهقان و تازی و رومی نژاد
نه دهقان نه ترک و نه تازی بود سخن‌ها به کردار بازی بود
(۳۱)

بنابراین دهقانان با رفتارهای خردمندانه و تیزهوشانه خود در برابر حاکمان اعراب، آنان را راضی نگه داشتند و امنیت فردی و اجتماعی خود و رعایای تحت امرشان را تأمین نمودند و حتی به جهت مناسبات جدید سیاسی و کوچ مهاجران عرب در ایران و ساکن شدن آنان در نواحی مختلف، از جمله نواحی منسوب به دهقانان، آنان را پذیرا شده و به تدریج با هم‌زیستی و آموزش‌های مختلف به آنان در جهت‌های اقتصادی، آسایش همگانی را در حوزه‌های خود رقم زدند. با این حال، چون دهقانان خود را از طبقه برتری نسبت به دیگر قشرهای ایرانی و عرب می‌دانستند، با آنان مواصلت و خویشاوندی نمی‌کردند و شأن اجتماعی و طبقاتی خود را رعایت می‌نمودند.

فرهنگ ایرانی به واسطه محافلی بود که دهقانان در فارس، خراسان و طبرستان و به طور کلی در شرق ایران تشکیل می‌دادند (۳۲). دهقانان حافظ روایات حماسی و تاریخی و داستان‌های عشقی ایران پیش از اسلام بودند. بدین‌گونه سنن باستانی ایران که فقط بر حسب ظاهر، رنگ اسلامی گرفته بود و گاهی نیز از طرز تفکر اسلامی تأثیر پذیرفته بود، در بین دهقانان پا بر جا ماند و بعداً در سراسر شاهنامه فردوسی و منابع اسلامی تقریر یافت (۳۲). ابومنصور معمری گردآورنده شاهنامه ابومنصوری (تألیف‌شده به سال ۳۴۶ قو) در مقدمه‌ای که اکنون موجود است، آورده که برای تألیف اثر خویش، دهقانان شهرهای گوناگون را پیش خود خواند. در همین مقدمه، دهقانان - که بازماندگان شاهان قدیم به شمار آمده‌اند - مأخذ معتبر این شاهنامه ذکر شده‌اند. فردوسی نیز در موارد مختلف مأخذ روایت خود را دهقانان ذکر کرده است. همچنین شاعران دیگری همچون اسدی طوسی، ایرانشاه و نظامی به روایت‌های دهقانان اشاره کرده‌اند (۳۶).

بنابراین تعلیم و تربیت و انتقال آیین‌های دهقانی، از نقش‌های فرهنگی دهقانان بود. آنان تاریخ پادشاهان را می‌دانستند، اخبار و سنن و روایات ایرانی را در آغاز اسلام نقل می‌کردند و با بیان روایات و اساطیر کهن، تأثیر زیادی بر تاریخ و ادبیات ایران گذاشتند. آیین‌های مختلفی داشته‌اند که اعراب از آن بهره گرفته‌اند (۳۷). دهقانان اهل دانش و در تمام بر و بحر، پاک‌دامن‌ترین همه مردم و بهترین طبقات بودند. بنا به قول تاریخ سیستان «دهاقین را سخنان حکمت باشد» (۳۸) و «کار دیوان را در میان خود به ارث برند» (۳۹) و «این نامه را هرچه گزارش کنیم، از گفتار دهقانان باید آورد که این پادشاهی به دست ایشان بود و از کار و رفتار و از نیک و بد از کم و بیش اینان دانند» (۴۰).

از دیگر فعالیت‌های دهقانان در جهت حفظ ثبات اجتماعی و تقویت جایگاه فرهنگی جامعه خود، اندرزگویی بود. برخی از این دهقانان، حتی با فرهنگ و زبان عربی نیز آشنا شده بودند، در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف، ضمن برشماری ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی خود، گاه، اعراب را به پای‌بندی به موازین و اصول اعتقادی و اخلاقی عربی و اسلامی مورد غفلت

آنان توجه می‌دادند. اندرزها و پندهای دهقانان، شامل مفاهیمی همچون عدالت‌ورزی، خردورزی سیاسی، خودداری از ظلم و فساد و بهره‌کشی و پایبندی به اخلاقیات بود. دهقانان در اکثر اوقات با استفاده از همین ابزار و روش موفق شدند بر زیاده‌خواهی‌ها و ستم‌های حاکمان ستمگر مهار زنند، چنانکه در گزارش بلاذری چنین آمده است: «حجاج به محمد بن منتشر - والی فارس - فرمان داد بر آزادمرد، دهقان فسا و دارابگرد سخت گیرد تا مبلغ مورد نظر را به وی بپردازد. آزادمرد، به محمد بن منتشر درباره سختگیری‌های حجاج گفت: از هم‌کیشان وی، جمله‌ای حکمت‌آمیز [شاید] فرا گرفته است که می‌گوید: هرگاه خداوند خیر بندگانش را بخواهد، باران به موقع بر آنان می‌باراند و نیکوکاران را بر ایشان حاکم می‌گرداند و اگر ادبارشان را اراده فرماید، بارن بی‌موقع بر آنان می‌فرستد و مردمان شرور را بر ایشان مسلط می‌سازد و مال و ثروت را به مردمان بخیلشان می‌دهد» (۹).

همچنین می‌بایست به نقش دیگر دهقانان اشاره شود که آن انتقال آیین‌ها و آداب و رسوم ایرانی به اعراب و تأثیر بر حاکمان عرب بود، چنانکه آن حکام مسلمان، سنت‌های محلی را پذیرفتند، از سلیقه اشراف محل در طرز پوشیدن لباس و تشریفات جشن‌ها و... تقلید کردند که می‌توان به اسد بن عبدالله حاکم خراسان اشاره نمود که برخی از جشن‌های ایرانی همچون مهرگان و نوروز را برگزار می‌کرد (۴۱).

نتیجه‌گیری

دهقانان پس از مواجهه با نیروی مهاجمان عرب، گرچه در ابتدا مقاومت‌هایی در برخی نواحی نمودند، اما به طور کلی دو روش در پیش گرفتند: یا با اعراب مسلمان صلح کردند و جزیه دادند و یا مسلمان شدند که بدین‌گونه از پرداخت جزیه نیز معاف گشتند. دهقانان با بستن پیمان‌های صلح در نواحی مختلف ایران، جزیره‌های امنی را جهت خود و رعایای تحت امرشان به وجود آوردند. همچنین دهقانان به دلیل اعتماد و وثوق حاکمان عرب به آنان در امر مالیات‌گیری و مساحی زمین، همچون گذشته بر مناصب خود باقی ماندند و بدین‌ترتیب از ظلم و اجحاف اقتصادی مردمان ناآگاه به این مسائل، امنیت و

رفاه نسبی اقتصادی، برای شهروندان تحت حوزه خود فراهم آوردند.

دهقانان به دلیل مراودات سیاسی و اقتصادی با حاکمان عرب و به دلیل پایگاه بالای اجتماعی‌شان، در موقعیت‌های مختلف، جان بسیاری از رعایای کشاورز و شهری ناحیه خود را از مرگ و اسارت به وسیله اعراب نجات دادند. قابل توجه است که این دهقانانی که از مواصلت و خویشاوندی با طبقات پست‌تر از خود امتناع می‌ورزیدند، با تأثیرگذاری بر مهاجران عرب - که در نواحی مختلف ایران ساکن شده بودند - نه‌تنها موجب شدند که آنان خوی بدوی و قبیله‌ای خود را کنار بگذارند و تمدن ایرانی را بیاموزند، بلکه به آنان راه و رسم تصرف و تبدیل آن را به زمین‌های در اختیار امام و خلیفه را نشان دادند و در کنار آنان اشرافیت جدیدی را به وجود آوردند.

از سوی دیگر دهقانان وارثان فرهنگ کهن باستانی ایران زمین بودند که در این زمان در برابر هجمه قوم‌گرایی عرب و برتری‌جویی آنان، اخبار و سنن و روایات ایرانی را نقل و به تدریج به رشته تحریر درآوردند و بدین‌گونه با بیان و انتقال آیین‌ها و روایات حماسی و اساطیری ایران، تأثیر زیادی بر تداوم و حفظ تاریخ و ادبیات ایران گذاشتند.

بنابراین دهقانان با ایجاد جزایر امن در ایرانشهر در طول دو قرن اول قمری، نه‌تنها جان و مال خود و رعایای تحت امرشان را نجات دادند، بلکه حتی با حفظ مواریث کهن و انتقال به دوران جدید، از فراموشی آن در طول تاریخ جلوگیری کردند و بدین‌گونه آنان با رعایت موازین خردمندانه و مصلحت‌اندیشی‌های صحیح، در زمان‌های گوناگون، چه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و چه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی به طور نسبی و باواسطه، امنیت و رفاه خود و شهروندان‌شان را در طول چند قرن اول اسلامی حفظ و تأمین نمودند.

References

1. Katozian N. Rule of law and civil society. *Private Law Studies Journal* 1385; 6(72): 275-290. [Persian]
2. Tabatabaee Motameni M. Public Freedom and Human Rights. Tehran: Tehran University; 1388. [Persian]
3. Nasiri Moghanlo M. Citizenship rights in Islam. *Legal scholars Journal* 1392; 3(5): 73-89. [Persian]
4. Rezaee M, Balaei H. Security and Citizenship Rights; Priority or recency. *Afagh-e Amniyat* 1395; 30(2): 97-121. [Persian]
5. Choksy JG. Conflict and compromise. Translated by Mir Saeedi N. Tehran: Tos; 1385. [Persian]
6. Christensen A. Situation of the nation, state and court during the Sassanian Empire. Translated by Minavi M. Tehran: The National Assembly Press; 1314. [Persian]
7. Mojmal al-Tavarikl val-Ghesas. Tehran: Kalaleh Khavar; 1349. [Persian]
8. Tafazoli A. Socio-cultural role of peasants in the first centuries of Islamic era. *Iran Nameh* 1376a; 16(3): 579-590. [Persian]
9. Blazori A. Fotoh al-Boldan. Translated by Azarnosh A. Tehran: Bonyad Farhang Iran; 1346. [Persian]
10. Tabari AJ. Tabari history (Tarikhe al-Rosol val-Molok). Translated by Payandeh A. Tehran: Asatir; 1363. [Persian]
11. Daryaee T. The fall of the Sasanian. Translated by Etehadiyeh M, Amir Khani F. Tehran: Tarikh Iran; 1383. [Persian]
12. Christensen A. Iran during the Sassanid era. Translated by Yasami R. Tehran: Donya-e Ketab; 1375. [Persian]
13. Salehi K. The role of time and place in the peasants' impact of Islamic conquest. *Iran history Journal* 1388; 9(5): 129-158. [Persian]
14. Dinevari A. Akhbar al-Teval. Translated by Mahdavi Damghani M. Tehran: Ney; 1363. [Persian]
15. Hedayat S. Zand Vahoman Yasan, Jamasp Nameh. Tehran: Negah; 1383. [Persian]
16. Abu Yousef Y. Ketab al-Kharaj. Beirut: Dar al-Maarefa al-Tebaeh va al-Nashr; 1399 AH. [Arabic]
17. Al-Mavardi A. Alahkam al-Soltaniyah val-Velayat-e-Diniyeh. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyeh; 1398 AH. [Arabic]
18. Gardizi A. Zeyn al-Akhbar. Tehran: Print Tehran; 1363. [Persian]
19. Ibn al-Atham Kofi A. Fotouh. Translated by Heravi M. Tehran: Elmi va Farhangi; 1374. [Persian]
20. Yaghobi A. Yaghobi history. Translated by Ayati E. Tehran: Elmi va Farhangi; 1371. [Persian]
21. Spuler B. Islamic world. Translated by Aryan GH. Tehran: Amir Kabir; 1384. [Persian]
22. Mohammadi M. History and Culture of Iran. Tehran: Tos; 1375. [Persian]
23. Dennett D. Per capita tax and its impact on Islam tendency. Translated by Movahed MA. Tehran: Kharazmi; 1385. [Persian]
24. Zaydan J. History of Islamic civilization. Translated by Javaher Kalam A. Tehran: Amir Kabir; 1372. [Persian]
25. Shariatmadar Jazayeri N. Security in Shi'a Political Philosophy. *Political Science Journal* 1379; 6(9): 5-31. [Persian]
26. Aufi M. Javame al-Hekayat va Lavame al-Ravayat. Tehran: Kalaleh Khavar; 1335. [Persian]
27. Minavi M. Peasants. *Simorgh Journal* 1351; 8(1): 8-13. [Persian]
28. Amiri SH. Peasants and Islamic conquest. *Tarikh va Tamadon Eslami Journal* 1387; 11(7): 19-36. [Persian]
29. Hajzadeh E. The role of peasants in the historical developments of the early Islamic centuries. *Pazhohesh Nameh Tarikh Journal* 1385; 4(3): 13-30.
30. Safa Z. Peasants. *Taleem va Tarbiyat Journal* 1326; 22(1): 39-43. [Persian]
31. Ferdowsi A. Shahnameh. Tehran: Hermes; 1384. [Persian]
32. Spuler B. History of Iran in the early Islamic centuries. Translated by Falatori J. Tehran: Elmi va Farhangi; 1364. [Persian]
33. Seddighi GH. Iranian religious movements in the second and third centuries. Tehran: Amir Kabir; 1375. [Persian]
34. Beyhaghi E. Al-Mahasen va al-Mosavi. Egypt: Maktabah Nahzah; No Date. [Arabic]
35. Inostrantsev K. Research on the Sasanians. Translated by Kazem Zadeh K. Tehran: Nashr va Tarjomeh Ketab; 1351. [Persian]

-
36. Tafazoli A. Peasant. Translated by Khatibi A. *Nameh Farhangestan Journal* 1376b; 5(9): 148-155. [Persian]
37. Ibn Nadim M. Al-Phehrest. Translated by Tajadod MR. Tehran: Amir Kabir; 1366. [Persian]
38. Nameless. Tarikh-e Sistan. Tehran: Nashre Markaz; 1382. [Persian]
39. Ibn Hawqal MA. Sorato al-Arz. Translated by Shoar J. Tehran: Amir Kabir; 1366. [Persian]
40. Ghazvini M. Twenty papers. Tehran: The National Assembly Press; 1313. [Persian]
41. Abadi M. Peasant history in Persian literature. *Honar va Mardom Journal* 1356; 13(4): 64-70. [Persian]